

بررسی اصول قانون اساسی از حیث کنترل خشونت خانگی



عکس: باشگاه خبرنگاران

وکیل و پژوهشگر - مهری ملکوتی

قانون اساسی ایران دارای یک مقدمه و ۱۷۵ اصل است که در ۴۱ فصل گنجانده شده و در سال ۱۳۶۱ آخرین اصلاحات در آن صورت گرفته است. مقدمه مواضع ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران را مشخص می کند و اصول بر چگونگی شکل گیری نهادهای زن در قانون "حکومتی، مناسبات نهادها با یکدیگر و مناسبات مردم با آنها و مردم با مردم دلالت دارد. در مقدمه قانون اساسی زیر عنوان نگاه قانون گذار نسبت به زن حمایت کننده است و به رشد او از حیث پاسداری از مکتب اسلام و تربیت فرزندان مکتبی و وفادار "اساسی به حکومت بسیار اهمیت داده است. طبیعی است که با استناد به این بخش از مقدمه و سایر بخش ها، می توان بر رفع خشونت خانگی و از بین بردن عوامل آن پافشاری کرد.

اصول قانون اساسی مستقیم و غیر مستقیم بر رشد زن، سلامت روح و جسم زن، مقام مادری زن، و به خصوص مراعات اخلاق در خانواده تا چه استخراج می شود. با این هدف که تعیین کنیم شده، پیش بینی تاکید دارد. به صورت خلاصه فرصت هائی که در این اصول اندازه می توانیم به اصولی از قانون اساسی به قصد کنترل خشونت خانگی استناد کنیم و دولت را از این حیث پاسخ گو بخواهیم. طرح این وکلای مدافع ایرانی در صورتی که وکالت زنان را در پرونده های خشونت خانگی پرسش در این بررسی بسیار جدی است که ببینیم کدام مفاهیم قانونی مندرج به بپذیرند، کدام فرصت ها را قانون اساسی در اختیارشان می گذارد و در مدافعات خود از زنان خشونت دیده دفاع کنند. تکیه کرده و به صورت قانونی از قربانیان خشونت خانگی در دادگاه صالحه در قانون اساسی می توانند

نهی سلطه گری مرد و سلطه پذیری زن

، بر حکومت حق و عدل و قرآن، استقرار یافته. طبیعی است حکومت حق و عدل و قرآن، با خشونت خانگی در تعارض است اصل اول و ترویج آن را ناپسند می داند.

، بند ۶ بندهای الف و ب و ج به صورت غیر مستقیم دارای ظرفیت مثبت برای کنترل خشونت خانگی است. به خصوص اصل دوم به این مفهوم است که هم ستم گری محکوم شده، هم "نهی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری" تاکید بند ج بر به باید بر پایه ی این اصل که الهام گرفته از تعالیم اسلامی است ستم پذیری. بنابراین مردی که در خانه نسبت به زنان خشونت می ورزد پایان بدهد. زنانی هم که خشونت خانگی را با سکوت می پذیرند از نگاه این اصل قانون اساسی قابل ستایش رفتار غیر اسلامی خود زنان توصیه نشده است. در این اصل جنسیت نیستند و قانون اساسی از شهروندان خواسته است سلطه پذیر نباشند. بنابراین سلطه پذیری به مطرح نیست و بنابراین قابل تسری به همه شهروندان زن و مرد ایرانی است و جانب عدالت در آن مراعات شده است.

ایجاد محیط "، بندهای ۱ و ۲ و ۹ و ۱۰ و ۲۱ و ۴۱ برای کنترل خشونت خانگی دارای ظرفیت است. در بندهای ۱ و ۲ و ۳ اصل سوم را سفارش می کند و "بالا بردن سطح آگاهی های عمومی با استفاده از مطبوعات و رسانه ها" و "مساعد برای رشد فضائل اخلاقی همه "تامین حقوق" را دستور می دهد. بند ۴۱ این اصل صراحت دارد به "آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه" همچنین زنان جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. بنابراین تامین حقوق همه جانبه ایجاد می کند که خشونت بر ضد زنان در خانه از را در برمی گیرد. لذا بدون ایجاد امنیت در محیط خانه ممکن نیست و بی تردید آن سوی نهادهای پلیسی و قضائی و مددکاری و شبکه های مرتبط با خانه های امن و اورژانس ها و پزشکان و روانپزشکان، به صورت قانون اساسی از حکومت اسلامی است. فعالان حقوق زن و وکلای سازمان یافته و بی وقفه کنترل بشود. این خواست صریح و نامشروط مدافع با استناد به این بند می توانند از نهادهای جمهوری اسلامی مجوز لازم برای آرایش نیروهای مدنی و داوطلب را در خواست کنند و وکلای مدافع می توانند در تئوری و عمل با آنها وارد همکاری های قانونی متناسب با قانون اساسی بشوند.

دیگر بندهای این اصل به صورت غیر مستقیم همین خواست را تبیین می کند که قابلیت اجرایی دارد.

بنابراین خشونت خانگی مصداق رفتاری است " دعوت به خیر ، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی " ، اصل هشتم است و به قربانی صدمه می زند و لذا همگان در جمهوری اسلامی تکلیف دارند مردی را که نسبت به زنان خانه به هر شکل " منکر " که خشونت می ورزد ، امر به معروف کرده و زیان های رفتار ناپسند او را یادآور بشوند . همچنین حکومت به کمک بازوهای پلیسی و قضائی و مدد کاری و بر پایه ی قوانین لازم الاجرا موظف است از خشونت خانگی پیشگیری و با آن برخورد کند .

پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه " ، تاکید دارد بر این که قوانین و مقررات باید در جهت اصل دهم بنابراین قانون اساسی بر ضرورت قانونگذاری با هدف حفظ و حراست از مناسبات خانوادگی بر پایه " حقوق و اخلاق اسلامی باشد . متناسب برخی قوانین کنونی اخلاق اسلامی دستور داده و حقوقدانان می توانند با استناد به این فرازهای قانون اساسی ، خواستار اصلاح زناشویی به جسم و جان زنان در محیط خانوادگی و در زندگی که از حمایت با اصل دهم بشوند . آن چه مسلم است مقامات و مدیرانی حفظ مبانی اخلاق اسلامی "بهبان اسلام گزائی خودداری می کنند به خطا می روند . چگونه باور کردنی است که سفارش قانون اساسی بر بی گمان باید در تفاسیر خود تجدید نظر کنند . در مناسبات خانوادگی ، به مفهوم رواداری خشونت در خانواده تفسیر بشود ؟ "

تاکید بر حقوق مردم فارغ از جنسیت

می پردازد ، بر حفظ حقوق آحاد مردم صرف نظر از جنسیت تاکید دارد . "حقوق مردم" اصول ۹۱ و ۰۲ و ۱۲ و ۲۲ از فصل سوم که به اصل ۱۲ کاملاً بر مراعات حقوق خاصی برای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی زن پرداخته . واضح است که اگر خشونت خانگی مهار نشود ، این دستورات قانون اساسی بلا اجرا می ماند . با وجود بالا رفتن نرخ خشونت خانگی ، احیای حقوق مادی و معنوی زنان غیر ممکن است . بنابراین اصل ۱۲ واجد ارزش و اعتبار اجرایی برای همه کسانی است که مبارزه با خشونت های خانگی را انتخاب کرده اند.

اصل ۸۲ و ۹۲ و ۰۳ و ۱۳ و ۴۳ و ۵۳ و ۶۳ و ۷۳ و ۰۴ و ۲۴ از فصل سوم به صورت غیر مستقیم برای کنترل خشونت خانگی سودمند و قابل حق طرفین " است تاکید می کند و دومی بر " حق مسلم هر فرد " که " حق دادخواهی " استناد است . دو اصل ۴۳ و ۵۳ که اولی بر ، هر دو به زنان قربانی یاری می رساند تا : " دعوا بر استفاده از وکیل دعاوی

کنند و ثانیاً از نیروی دفاع یک وکیل "دادخواهی" اولاً هنگامی که مورد خشونت خانگی قرار می گیرند در مراجع صالحه قضائی دادگستری برای احقاق حق استفاده کنند . در صورتی که پول برای پرداختن به وکیل را ندارند می توانند به کانون وکلای دادگستری مراجعه و از آن کانون تقاضای وکیل معاضدتی کنند. در این صورت بهتر می توانند از خود دفاع کنند و موجبات تغییر رفتار مرد را در محیط خانه فراهم سازند .

تاکید بر رفاه مردم و محرومیت زدائی فارغ از جنسیت

در فصل چهارم قانون اساسی هم دو اصل ۳۴ و ۶۴ به کنترل خشونت خانگی به صورت مستقیم و غیر مستقیم می تواند یاری برساند.

ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیاز های انسان در جریان رشد ، با حفظ آزادی او قانون اساسی استوار است بر : اصل ۳۴ ، تامین نیازهای اساسی ، مسکن ، خوراک ، پوشاک و بهداشت ، درمان و آموزش و پرورش و امکانات تشکیل خانواده برای همه .

۳۴ به شرحی است که گذشت . رفاه بدون برخورداری از امنیت مفهومی ندارد . لذا اصل ۳۴ رفاه برای عموم مهمترین خواست اصل مستقیماً با ادامه خشونت خانگی در تضاد قرار می گیرد . بنابراین زن در جای انسان کامل که باید نیازها ، آزادی ، و در مجموع کرامت انسانی اش محترم داشته بشود نباید خشونت خانگی بر حق شناخته شده ی او از رفاه و امنیت خدشه وارد کند .

در تکمیل این اصل ، اصل ۶۴ نیز مالکیت نسبت به کسب و کار را برای عموم به رسمیت شناخته که این نیز در جهت رشد همه جانبه و خشونت زدائی از آنان قابل استناد است . زنان

" حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه ی حدود الهی " اصل ۱۶ از فصل پنجم تاکید دارد بر

مواردی که در این اصل گنجانده شده صریح و روشن می تواند در جهت کنترل خشونت خانگی که یک بی عدالتی آشکار بر ضد زنان باید از باب حفظ شالوده خانواده خشونت پذیر است ، به کار گرفته بشود . مراجع قضائی با وجود این اصل نمی توانند به این بهانه که زن باشد ، دعاوی زنان قربانی را معطل گذاشته و آنها را فقط نصیحت کنند تا از شکایت خود بگذرند و رضایت بدهند . دادگاه ها با وجود قانون دارند دعاوی زنان خشونت دیده و دفاعیات وکلای آنها را جدی بگیرند . گسترش عدالت موضوع اصل ۱۶ این اصل وظیفه دست یافتنی نیست . بدون اجرایی کردن این اصول در دعاوی که زنان قربانی خشونت خانگی در مراجع قضائی طرح می کنند ، اساسی

فرصت های قانونی زنان خشونت دیده در مقام اعتراض به عملکرد نهادها

بسیار سودمند است. این اصل با صراحت تاکید دارد بر برای کنترل خشونت خانگی بر ضد زنان قانون اساسی اصل ۰۹ در فصل ششم داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی هرکس شکایتی از مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه " این که " عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند.

در محاکم دادگستری مطابق قانون رسیدگی نشود، می توانند به به این ترتیب زنان قربانی خشونت خانگی در ایران چنانچه به دعاوی آنها موجب اصل ۰۹ به مجلس شکایت کنند. این نیز فرصتی است که وکلای مدافع می توانند موکل خود را در صورت لزوم با آن آشنا کنند.

فرصت ها و امکانات مندرج در قانون اساسی بیش از مواردی است که در بالا به آن اشاره شد.

برای مثال:

وظائف قوه مجریه از حیث اختصاص بودجه به رفع معضلات عمده اجتماعی غیر قابل تردید است. خشونت خانگی یکی از مصادیق معضلات اجتماعی است که در کشور تناقض ها و تضادها را تشدید می کند و قوه مجریه می تواند با اختصاص بودجه کافی با هدف مهار آن به وظیفه عمل کند. این قوه با تقویت بخش هائی از وزارت بهداشت و آموزش و پرورش و با ایجاد یک وزارت برای امور زنان و همچنین تدوین لوایح لازم با هدف کنترل خشونت خانگی و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، می تواند گام هائی در جهت رفاه و زنان خانه دار که در چهارچوب اخلاق اسلامی قابل قبول است بردارد. آسیب امنیت خانگی زنان و به خصوص تامین اجتماعی پذیری زنان که گاهی به فحشا منجر می شود، ریشه در خشونت خانگی دارد که اگر به دستورات قانون اساسی در زمینه تامین اجتماعی زنان خانه دار به درستی عمل بشود، خطرات آن کاهش می یابد. وزارت کشور نیز با هدف کنترل خشونت خانگی چنانچه تسهیلات لازم تشکل های مستقل و مدنی زنان با اساسنامه ای مبتنی بر کمک رسانی به کنترل خشونت برای صدور مجوز های لازم برای ثبت قانونی خانگی ایجاد کند، گامی بلند در جهت کنترل خشونت خانگی برداشته می شود. نیروی انتظامی به یاری برنامه های آموزشی و به روز مثبت بازسازی نهادهای کمک رسانی نیرو به خانواده های گرفتار، یک عامل شدن وظائف و مسئولیت ها در برابر مردم و در صورت است که برای کنترل خشونت خانگی باید توسط قوه مجریه تجهیز و مهیا بشود.

وظائف قوه مقننه از حیث قانونگذاری با هدف کنترل خشونت خانگی و اصلاح قوانین زیان باری که با مبانی اخلاق اسلامی در مناسبات خانوادگی در تضاد است، واجد اهمیت است. مکانیسم قانونگذاری در قانون اساسی، امکانات خوبی از حیث تصویب قوانین خاص برای کنترل خشونت خانگی در اختیار می گذارد.

وظائف قوه قضائیه از حیث کنترل خشونت خانگی بسیار اهمیت دارد. رسیدگی به دعاوی زنان قربانی خشونت و نظارت بر بازسازی مردان خشونت ورز و مجازات آنها شمه ای از این وظائف است. همچنین تدوین لوایح قضائی متناسب با کنترل خشونت و تقدیم آن به مجلس از جمله فرصت های قانونی است که این قوه از آن برخوردار است.

توجه داده شد که وکلای مدافع می توانند از آن برای احقاق حقوق زنان قربانی خشونت در این مختصر به موارد روشنی از قانون اساسی خانگی استفاده کنند و ضمن مشاوره در فضای مجازی، این موارد را به آنها بیاموزند تا زنان بتوانند در نهادهای حکومتی با استناد به این اصول حق خواهی کنند. از آن گذشته وقتی مسئولین با یک قربانی آگاه به حقوق قانونی خود رو به رو بشوند، برخوردشان با این قربانی که به زبان قانون سخن می گوید، متفاوت و مودبانه خواهد بود و احساس می کنند این قربانی آگاه می تواند از حق خود دفاع کند و در صورتی که نسبت به خواسته ی قانونی او بی اعتنائی کنند، در مراجع قانونی دیگری ممکن است طرح شکایت کند.

در همه حال اگر قربانی خشونت خانگی از حقوق قانونی خود آگاه بشود، حتا این احتمال وجود دارد که مرتکب خشونت در رفتار خود در برابر این انسان آگاه که مجهز به دانش حقوقی در حدود مناسبات خانوادگی است، تجدید نظر کند.

فرصت های قانونی که رهبر برای کنترل خشونت خانگی در اختیار دارد

اصل ۰۱۱ قانون اساسی که به وظائف رهبر می پردازد، در بند ۱ به صورت غیر مستقیم از حیث کنترل انواع خشونت ها بر ضد شهروندان واجد اهمیت و قابل تفسیر به سود کنترل خشونت خانگی است. هر چند اصل ۸۹ قانون اساسی تفسیر قانون اساسی را منحصر در اختیار گذاشته (برای شناخت این نهاد و نقش و تاثیر آن در امور کشور نگاه کنید به اصول ۱۹ و ۲۹ و ۳۹ و " شورای نگهبان " نهادی به نام ۴۹ و ۵۹ و ۶۹ و ۷۹ و ۸۹ و ۹۹ قانون اساسی)، ولی بند ۱ از اصل ۰۱۱ قابلیت این را دارد که از نگاه افراد و گروه هائی که در زمینه های کنترل بی عدالتی، تبعیض گرایی و خشونت ورزی، فعال اند یا نسبت به آن حساست نشان می دهند، مورد بحث و تجزیه تحلیل قرار بگیرد.

اختصاص دارد، چنین است: " وظائف و اختیارات رهبر " بند ۱ اصل ۰۱۱ که نخستین بند از ۱۱ بند آن است و عموماً به

“ تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام - ۱ ”

سیاسی جمهوری اسلامی ایران عالی ترین مقام رسمی کشور است که حتا در اصل ۷۵ - در نظام حقوقی “ رهبر ” لازم به توضیح است که او این گونه تاکید شده است : “ قدرت مطلقه ” قانون اساسی بر

امامت قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و قوه مجریه و قوه مقننه ، : قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از - اصل ۷۵ “ امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند . این قوا مستقل از یکدیگرند .

مجمع تشخیص مصلحت نظام نهادی است که بند ۱ اصل ۱۱۱ رهبر را به مشورت با آن نهاد برای تعیین سیاست های کلی نظام موظف ساخته است . این نهاد را اصل ۲۱۱ تعریف کرده است .

بسیار اهمیت دارد این است که در هر نظام سیاسی ، سیاست های “ خانه امن ” گردانندگان از نگاه اما آن چه در تفسیر بند ۱ اصل ۱۱۱ کلی با نیازهای جامعه و متناسب با روند تحولات اجتماعی تعیین می شود . واضح است که با وجود تاکید مقدمه و اصول قانون اساسی لازم است جمهوری اسلامی بر عدالت ، تقوی ، عتوفت و احیای حقوق انسانی زنان ، کنترل خشونت خانگی یک هدف اساسی است و در سیاست های کلان وارد شده و شیوه های کنترل از حیث مالی و پلیسی و قضائی و مددکاری و مالی در یک چارچوب منسجم تعریف نیز “ نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام ” بشود و صورت اجرائی پیدا کند . خوشبختانه بند ۲ از اصل ۱۱۱ نیز افزوده است که با اتکا به این فرصت های قانونی است که باب بحث را در “ خانه امن ” از جمله وظائف و اختیارات رهبر است . بنابراین گردانندگان فضای مجازی گشوده اند و امید وارند این فرصت ها با هدف کنترل خشونت خانگی که یکی از مسائل مهم امروز ایران است ، اجرائی بشود و در دستور کار عالی ترین مقام سیاسی کشور و در فهرست سیاست های کلان گنجانده بشود . این امید دست یافتنی است و تکیه مهمترین صفتی است که قانون “ عدالت و تقوی ” گاهش اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است . به خصوص که می دانیم بند ۲ اصل ۹۰۱ برای فردی که مقام رهبری را احراز می کند در نظر گرفته است . طبیعی است که یک انسان عدالت اساسی به موجب ما و دیگران است که ایشان را نسبت به پیشه و با تقوی ، کنترل خشونت خانگی را وارد سیاست های کلان می کند . البته این به عهده آمار رو به تزاید آن و همچنین نسبت به غفلت مسئولان در خصوص آن و نبود امکانات مالی و اداری برای شبکه سازی با هدف کنترل آن گام بر می دارند . “ خانه امن ” آشنا کنند . در این راه گردانندگان

موانع جدی در برابر کنترل خشونت خانگی

در مکانیسم قانونگذاری کشور گنجانده شده است

به موجب اصل ۴ و اصل ۲۷ و چند اصل دیگر قانون اساسی ، قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی نباید در تعارض با احکام شرع از تصویب بگذرد . نهاد شورای نگهبان که شش فقیه در ترکیب آن حضور دارند می توانند مصوبات مجلس را هرگاه با نظرات فقهی شان در انطباق نباشد ، با استناد به اصل ۶۹ به این دلیل که با احکام شرع در تعارض است ، وتو کنند . در بیشتر موارد شریعت اسلام و فقه شیعه تفسیر می شود که قانونگذاری با هدف کنترل خشونت خانگی اساسا میسر نیست . حال آن که به گونه ای از سوی فقهای شورای نگهبان در بسیاری از کشورهای با اکثریت مسلمان ، قانون خاص کنترل خشونت خانگی به نفع زنان و با رویکرد بازدارندگی و دور کردن مرد خشونت ورز از فضای زندگی خانوادگی ، از تصویب گذشته و به آن عمل می شود و فقیهان هم به آن ایراد شرعی وارد نکرده اند . در سلطه و ریاست شوهر و پدر در خانواده ، است . حال آن که در از لوازم تفاسیر فقهای شورای نگهبان از احکام شرع ، گویا خشونت توسط جمع دیگری از فقها ، تفاسیر دیگری از ریاست شوهر می شود که کاملا با تفاسیر فقهای کشورهای جهان و حتی در ایران شورای نگهبان تفاوت دارد . به این معنا که وقتی رئیس خانواده مرتکب رفتار خشونت آمیز بر ضد افراد خانواده می شود ، ویژگی ریاست را از دست می دهد و در نتیجه ، این زن است که باید در پناه دولت اعم از دولت اسلامی یا سکولار قرار می گیرد . و این مرد است که باید مجازات و دوری از خانواده را به طور موقت یا برای همیشه تحمل کند .

اما مکانیسم قانونگذاری در ایران با آن که نهاد شورای نگهبان را به شرحی که در اصول اعلام شده شرح داده شد ، متصدی و ناظر بر قانونگذاری کرده است ، ولی یک راه در برابر قانونگذاری شرعی گشوده که اگر اراده رهبر به سمت کنترل خشونت خانگی گرایش داشته باشد ، این راه برای قانونگذاری بر پایه عرف و به قصد حفظ احترام و کرامت انسانی زنان در زندگی خانگی قابل استفاده است .

مجمع تشخیص مصلحت نظام در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف “ به موجب اصل ۲۱۱ قانون اساسی می تواند دخالت ” ... موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند دوسوم اعضای مجلس شورای اسلامی بر آن کند . به این شکل که در صورتی که پس از اعلام نظر منفی شورای نگهبان ، دست کم مصوبه و ضرورت تصویب آن اصرار کنند و آن را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع دهند ، مجمع با توجه به مصلحت نظام با آن که مصوبه با موازین شرع در انطباق نیست ، از باب مصلحت نظام آن را تصویب کند .

با کمال تاسف حتی این درجه از انعطاف پذیری که در قانون اساسی آمده است ، سبب نشده تا با قانونگذاری بدون دخالت شورای نگهبان

و بر پایه نیازهای عرفی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، گامی استوار با هدف کنترل خشونت خانگی برداشته و قانون خاصی را با رویکرد بازدارندگی به نفع زنان در معرض خشونت از تصویب بگذرانند.

بنابراین مکانیسم قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران بکلی جامد و بسته نیست. قابلیت انعطاف دارد. هرگاه تجدید نظر در قوانین مرتبط با کنترل خشونت خانگی در دستور کار قرار بگیرد، به فرض که شورای نگهبان آن را در تعارض با موازین شرع تشخیص بدهد، مجمع تشخیص مصلحت نظام می تواند در صورت اصرار مجلس، مصوبه را به قانون لازم اجرا تبدیل کند. مجلس شورای اسلامی در این زمینه کاملاً بی تفاوت است و خود را درگیر چالش با شورای نگهبان نمی کند و از آن بیش چه بسا اعضای این مجلس تابعی از نظرات فقهی شورای نگهبان هستند.

تکلیف رئیس جمهور

همچنین رئیس جمهور برای پایبندی به "مسئولیت اجرای قانون اساسی به عهده رئیس جمهور است" به موجب اصل ۳۱۱ قانون اساسی این وظیفه به موجب اصل ۱۲۱ قانون اساسی پس از انتخاب، در مجلس شورای اسلامی حاضر شده و قسم یاد می کند که حافظ قانون اساسی باشد.

به این اصول هم امید بسته اند تا کنترل خشونت در ایران به همت نهاد رئیس جمهور از هر دسته و جناح "خانه امن" بنابراین گردانندگان سیاسی که باشد، صورت اجرائی پیدا کند. بدیهی است نهاد ریاست جمهور با توجه به اصولی از قانون اساسی که به محرومیت زدائی، عدالت، نهی از منکر، رفع ستمگری، و مانند آن می پردازد، موظف است شرایط رشد زنان را فراهم کند. شرایط رشد زنان بدون کنترل خشونت خانگی امری محال و غیر ممکن است. مقدمات کنترل خشونت را نهاد ریاست جمهور باید متناسب با خواسته های قانون اساسی که شخص رئیس جمهور مسئول اجرای آن است و در برابر مردم (زن و مرد) سوگند یاد کرده است، مهیا کند.

در جریان بودجه بندی سالانه، ایجاد پست وزارت در امور زنان که بازوهای "خانه های امن" مقدماتی از قبیل تامین بودجه برای ایجاد اجرائی آن کنترل خشونت خانگی را در اولویت قرار دهند، از جمله فرصت های قانونی است که در حوزه کاری نهاد ریاست جمهور قرار جامعه مدنی با زمینه های مرتبط با کنترل خشونت خانگی در حوزه می گیرد. از آن بیش ایجاد تسهیلات برای شبکه سازی و توسعه کاری این نهاد است. توسعه مددکاری اجتماعی و حرفه آموزی زنان که در صورت گریز از خشونت خانگی، به فحشا ممکن است متمایل بشوند در حوزه کاری نهاد ریاست جمهوری است. اساساً وزارت هایی که متصدی بهداشت هستند، از لحاظ حفظ بهداشت جسم و روان زنان، ناگزیر باید نظارت بر خشونت خانگی را به کمک کارشناسان و مددکارانی که به خانه های خشونت زده اعزام می کنند، در اولویت قرار بدهند. همه این مقدمات اولاً با بودجه ملازمه دارد که دولت باید شرایط تامین آن را ایجاد کرده و بتواند مجلس را به آن متقاعد سازد. ثانیاً به قدرت شبکه سازی نیاز است که بدون همکاری سازمان یافته نظام پزشکی، پلیسی، مددکاری، نیروهای داوطلب و جلب همکاری جمعی از زنان قربانی میسر نمی شود.

بنابراین نهاد ریاست جمهور می تواند به بسیاری از خواسته های قانون اساسی و مقدمه آن برای ستم زدائی از زنان که خشونت خانگی از در فضای مجازی به تدریج از این ضرورت های "خانه امن" نمونه های با اهمیت آن است، صورت اجرائی بدهد. گردانندگان برنامه قانونی بیشتر خواهند گفت. (به اصول ۶۲۱ و ۷۲۱ نگاه کنید)

فرصت های قانونی قوه قضائیه

پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی "اصل ۶۵۱ قانون اساسی وظائف قوه قضائیه را بیان کرده است. در صدر آن گفته شده که این قوه باید "گسترش عدالت" "رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات" باشد. به این منظور است که "مسئول تحقق بخشیدن به عدالت را باید تصدی کند." پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین "کشف جرم و تعقیب و مجازات" "نظارت بر حسن اجرای قوانین

این وظائف در موضوع کنترل خشونت خانگی، قوه قضائیه را با دشواری های بسیاری در زمینه پیشگیری از خشونت خانگی، کشف جرم، مجازات و اصلاح مجرمین مواجه می سازد. بخشی از این مشکلات کاملاً بومی و فرهنگی است و بخشی جهانی است. در بسیاری از خشونت های خانگی اساساً شخص قربانی زیر سلطه سنت ها تن به ابراز و اظهار نمی دهد و در موارد بسیار حتی پلیس و قاضی چندان با زن خشونت دیده همدلی و همراهی نمی کنند. از این رو کار بر قوه قضائیه سخت است و ناگزیر باید از بودجه کافی و کارشناسان برجسته بهره مند شود تا بتواند پایی با توجه به افزایش روند و انواع خشونت خانگی، ترتیب بازآموزی قضات را فراهم کند. تربیت پلیس متصدی این امر از جمله اولویت هاست که بدون همکاری نهاد ریاست جمهور میسر نمی شود. تاسیس خانه های امن نیاز به همکاری سه قوه با یکدیگر دارد. جلب و جذب نیروهای داوطلب زنان کار آسانی نیست و در شرایط نابسامان معیشتی کنونی بسیار معرفی کرده است. "مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری" سخت است. اما در هر حال اصل ۹۵۱ قانون اساسی قوه قضائیه را خشونت خانگی ناگزیر است به شکایات رسیده در زمینه خشونت خانگی رسیدگی کند. آن را که باعث طلاق، فرار زن و فرزندان از خانه، بالا رفتن نرخ انواع آسیب های اجتماعی مانند فحشا و اعتیاد و مانند آن می شود جدی بگیرد. پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (موضوع بند ۵ ماده ۶۵۱) بدون سازماندهی و آماده سازی نیروی انسانی متخصص و جلب و جذب نیروهای داوطلب ممکن

نمی شود و این همه سوای پول و بودجه ، به اعتماد سازی نیاز دارد تا قربانیان خشونت به جای فرار و پیوستن به باند ها و شبکه های فساد ، به نهادهای حکومتی و به خصوص بازوهای مددکاری قوه قضائیه پناه ببرند . در مواردی که قوه قضائیه با خلاء قانونی برای کنترل و متقاعد کردن دولت " تهیه لوایح قضائی " خشونت رو به رو است ، می تواند نیاز های خود را برای برخورد با این جرائم و کنترل آن با و مجلس به ضرورت تصویب و تامین بودجه آن ، جبران کند . توسعه آزادی های مطبوعاتی با هدف طرح جنبه های زیان بار خشونت با یکدیگر به توافق برسند . خانگی ، موضوع با اهمیت دیگری است که سه قوه می توانند با هم یاری یکدیگر ، نسبت به آن

موفقیت در کنترل خشونت خانگی ، البته موکول است به همکاری سه قوه مجریه و مقننه و قضائیه و بدون این همکاری ، اصولی از قانون اساسی که در پیش گذشت اجرائی نمی شود .

مشورتی به زنان که وجود فرصت های قانونی در ساختار حقوقی کشور را باور دارند ، در جریان کمک رسانی "خانه امن" گردانندگان کمبودهای قانونی و اجرائی با هدف پیدا کردن راه حل خواهند شد . در خشونت دیده ، از این فرصت ها بیشتر خواهند گفت و گزارشگر این راه نظرات حقوقدانان ، روانشناسان ، جامعه شناسان ، قضات ، مددکاران ، فعالان حقوق زن ، پلیس و وکلای مدافع چنانچه در قرار می گیرد "خانه امن" و شیوه های کنترل خشونت خانگی در دسترس اختیار گذاشته بشود ، امکانات بیشتری برای پیدا کردن راه حل که در فضای مجازی شالوده ریزی شده دریغ نکنند . "خانه امن" . امید است کارشناسان این نظرات و ایده ها را از